

خواهرزاده عزیزا سلام

نامه مرت بخش شماره سه و هربیش از پیش شدمان کرد. عذرنا خیریم
در نوشتن با سبب نام را بیدری یاد امید آن دارم که همواره شاد و خرم باشد
از اینکه به یاد ما هستید متشکرم.

سلام مرا به آقای شکر و آقایان بیزن و مهراد برسانید. نوشته بودیم که
خیلی دلت هوای ما و گلها و پرندگان باغبان را کرده خوب اینکه مثل
لا اینجلی نیست هرگاه که مایل بودید به شهر و دیار خود مراجعت کنید بسیار مسرور
خواهیم بود که تا آخرین لحظه عمر در کنار هم زندگی کنیم. خانه شیک و زیبایی هم که سفارش
در نظر گرفتیم را فرموده بودید، هرگاه که خودتان یا فرزندان عزیزتان بخواهند
اکساده است میدانید که بسیار مشتاق دیدارم و من هم دلم هوای شما را کرده است اگر
به اصفهان آمدید من با دلمی شما را بیدید منت دارم.

خواهرزاده عزیزم جوابی حالم شده بودید محبت را. خفتم و یاد دلمی شما یا رفقای
از سوی شما خوبتر. در ضمن، خالد مدیسی و مسعود خان و ندرانگینه خانم و آذر خانم و خانم عطا آبادی
به اتفاق خانواده، سلام میدهند، گفت خانم نیز همیشه را عمل کرده و بجز در
بوجود کامل یافتند و قرار است که به ابریه برگردند. حال سهراب خان و فاطمه خانم و خانواده
نیز خوب است و سلام میرسانند به کوهسار شما نامها و اصله را به فاطمه خانم رسانند
و او نیز بسیار خوشحال شد. دیگر عرفی ندارم و خواهان سلامتی و سرور شما هستیم.

خواهرزاده عزیزم فراموش نکنید و برایم نامه بنویسید
نزدبان شما
خالد جان مودت
اصفهان هجدهم اسفند ماه ۱۳۷۰

ضمنه جهت تحویل اوراق و مستندات آکیوان برصبت کردم دل
مشرفانه هنوز موفق به انجام کار مبنی جهت بقیدرات
دوستان زنی آنها شده ام.